مدح اختلاف قرائات توسط شیخ طوسی؛ اساسگار با اجماع تقیه ای

شاگرد: حتی اگر زمینه صدور را نگاه نکنیم، باید بین این روایات تعارض ببینند. وقتی حضرت فرمودند «اقرئوا کما علمتم»، با اینکه بگوییم اختلاف از جانب رواتِ آمده متعارض می‌شود. با اینکه رواتِ هم بعد از پیامبر هستند. اینکه بخواهیم بگوییم مصحف بر دیوار مسجد آویزان بوده و هر کسی همانطور که می‌دید از مصحف می‌خواند، بعد از پیامبر است. فهم اختلاف به‌عنوان قرائت باید با روایاتی مانند «اقرئوا کما علمتم» معارض داشته باشد. بین این‌ها تعارض می‌دیدند؟

استاد: جلوتری ها نمی دیدند. عرض من این است. چرا؟ چون با اینکه شیخ در تبیان فرمودند معروف حرف واحد است، دنبال‌هاش قول ابن قتیبه را آوردند که سبعة احرف را هفت جور ترسیم کرد و انواع اختلاف قرائات را معنا کرد. بعد فرمودند «هذا اصلح الوجوه». خب چرا این اصلح است؟ فرمودند: «لما روی عنهم علیهم‌السلام بجواز القرائة بهذه القرائات». این تحلیل شیخ خیلی مهم بود. قرینه متصله ای بود که با اینکه چند سال مباحثه کردیم اما از آن غافل بودیم. شیخ بعد از اینکه حرف واحد را می‌گویند اما تناقض نمی دیدند. دقیقاً می‌گویند حرف واحد، بعد می‌گویند سبعة احرف به چه معنا است، می‌گویند بهترین حرف، حرف ابن قتیبه است. حرف ابن قتیبه را به تفصیل می‌آورند و می‌گویند که این اصلح الوجوه است. تعلیل آن خیلی مهم است. اساس، تعلیلشان بود. تعلیلشان این بود که چون ائمه فرمودند جایز است که همه این‌ها را بخوانیم. خب آیا این به‌معنای تقیه است؟! به‌معنای مماشات است؟! آیا یعنی یکی از آن‌ها درست است؟!

لذا همین شخصی که این را فرمودند وقتی ذیل آیه «لوجدوا فیه اختلافا کثیرا» رسیدند، فرمودند اختلاف وجوه القرائات که اختلاف نیست؛ «ما تلائم فی الحسن کله صواب و کله حق». اگر عبارت شیخ را ببینید، می‌بینید زمین تا آسمان تفاوت دارد که بگوییم یک تقیه ای هست اما تا زمان ظهور حضرت ادامه دارد. چون نباید می‌گفتند «کله صواب»، بلکه باید می‌گفتند که حق مخفی است. حق در بین این وجوه مخفی است. ولی این‌ها نفهمیدند.

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 15:11:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 13:08:57 توسط ... .